

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پرابهات پانتایک

فرستنده: عثمان حیدری

۰۶ سپتمبر ۲۰۱۹

کالائی شدن سیاست، تفاوت فاحش امریکا و ونزوئلا



یکی از گرایش‌های ذاتی سرمایه کالائی شدن هر حوزه زندگی است؛ و تحت سرمایه‌داری نولیبرالی که گرایش‌های ذاتی سرمایه به طور کامل رشد می‌کنند، ما شاهد رسیدن سلطه کالائی شدن به عرصه‌های جدید هستیم. کالائی شدن آموزش که اخیراً با شتاب پیش رفته است یک نمونه از این است؛ و ما اکنون شاهد هجوم بی‌سابقه کالائی شدن به جهان سیاست هستیم. اگر زحمتکش‌شان در یک «ترکیب» نو برای یک برنامه نو، متفاوت با چیزی که نولیبرالیسم به آن‌ها ارائه می‌دهد، گردآورده شوند کالائی شدن سیاست که یک گرایش ذاتی سرمایه در دوران معاصر است می‌تواند شکسته شود. گرچه آن‌ها در ابتداء ممکن است برای منفعت شخصی جلب چنین برنامه‌ای بشوند، خود این فاکت که آن‌ها گردهم آمده اند گرایش‌های را که خلاف کالائی شدن سیاست است جاری خواهد ساخت.

یکی از گرایش‌های ذاتی سرمایه کالائی شدن هر حوزه زندگی است؛ و تحت سرمایه‌داری نولیبرالی که گرایش‌های ذاتی سرمایه به طور کامل رشد می‌کنند، ما شاهد رسیدن سلطه کالائی شدن به عرصه‌های جدید هستیم. کالائی شدن آموزش که اخیراً با شتاب پیش رفته است یک نمونه از این است؛ و ما اکنون شاهد هجوم بی‌سابقه کالائی شدن به جهان سیاست هستیم.

کالائی‌شدن سیاست مدتی است که جریان داشته است؛ اما خریدن قانونگذاران در مقیاس بزرگ که در همه جا رخ می‌دهد- و تازه‌ترین مورد آن در [ایالت] کارناتاکا است- در سطح جدیدی صورت می‌گیرد. تشکل سیاسی که پول بیش‌تری دارند، بدون توجه به این‌که مردم چه کسی را انتخاب می‌کنند نهایتاً دولت را تشکیل می‌دهد و البته این‌که مردم چه کسی را انتخاب می‌کنند خود عمدتاً به وسیله تشکل سیاسی که بیش‌ترین پول را دارد تعیین می‌شود.

شناخت مرسوم مارکسیستی این بوده است که دولت بورژوائی می‌تواند یک شکل پارلمانی داشته باشد، زیرا مؤسسات دولت مانند ارتش و بوروکراسی، حتا اگر یک دولت پاسخگو به کارگران انتخاب شود، تغییر نمی‌کنند. زمانی که یک حزب طبقه کارگر به قدرت برسد، اگر از قدرت خود برای درهم شکستن دولت بورژوائی استفاده نکند، بالاجبار باید در چهارچوب محدودیت‌هایی عمل کند که ادامه نظام سرمایه‌داری را مختل نمی‌سازند. اما، کالائی‌شدن سیاست به دنبال این نیز هست که تضمین کند یک حزب طبقه کارگر هرگز نتواند از طریق انتخابات پارلمانی به قدرت برسد؛ زیرا چنین حزبی پول کافی برای این کار را نخواهد داشت. در نتیجه، دموکراسی پارلمانی به یک حکومت مستقیم، از طریق یک تشکل سیاسی دست‌چین شده به وسیله اولیگارش‌ی مالی شرکت‌های بزرگ مبدل می‌شود.

به گفته «مرکز مطالعات رسانه‌ای»، که یک سازمان غیردولتی مستقر در دهلی است، در انتخابات پارلمانی که اخیراً برگزار شد حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) مبلغ عظیم ۲۷۰۰۰ کرور [معادل ۲۷۰ میلیارد روپیه- عدالت] یا حدود ۵۰ کرور روپیه [معادل ۵۰۰ میلیون روپیه] برای هر حوزه انتخابی خرج کرد. این ۴۵ درصد مجموع هزینه همه احزاب بود که به ۶۰۰۰۰ کرور روپیه [معادل ۶۰۰ میلیارد روپیه] بالغ شد. بخش عمده این پول‌ها از شرکت‌های بزرگ آمد و سهم شیر این‌ها نصیب حزب بهاراتیا جاناتا شد. به گفته «انجمن برای اصلاحات دموکراتیک»، یک سازمان غیردولتی دیگر مستقر در دهلی، از ۲۰۰۰۰ کرور روپیه سال‌های ۲۰۱۷-۱۸، حدود ۹۲ درصد آن به حزب بهاراتیا جاناتا رفت. دو راه فرار قانونی چنین هزینه انتخاباتی عظیمی را ممکن ساخته است: یکی نظام روابط است که تشکل‌های سیاسی اکنون مجاز به استفاده از آن هستند، و در آن نام کم‌دهنده علنی نمی‌شود، تمهیدی که به وسیله حزب بهاراتیا جاناتا آغاز شد و دیگری نظام حسابداری است که در آن هزینه‌های صورت گرفته به وسیله حزب، متمایز از هزینه نامزد، در هزینه انتخاباتی نامزد به حساب نمی‌آید. بنابراین، یک حزب سیاسی دارای دسترسی به پول عملاً می‌تواند هر قدر که می‌خواهد برای نبرد انتخاباتی خرج کند، که اساساً بدین معنی است که شرکت‌های بزرگ هستند که از طریق نامزدهای خود در انتخابات نبرد می‌کنند.

چیزی که مهم است این است که کالائی‌شدن سیاست، مانند کالائی‌شدن آموزش در هند از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، آن‌هم در زمان کوتاه‌تری، فراتر رفته است. چیرگی سرمایه‌داری نولیبرالی عمدتاً مسئول این است. اما در درون این محیط عمومی، حزب بهاراتیا جاناتا امتزاج قدرت شرکت‌های بزرگ و دولت را بسیار گسترده‌تر از هر زمان دیگری در گذشته پیش برده است. اگر معامله رافال [خرید هواپیماهای جنگنده رافال از فرانسه- عدالت] یک جنبه از این امتزاج بود، این فاکت که ۹۲ درصد کمک شرکت‌های بزرگ فقط به حزب بهاراتیا جاناتا می‌رسد یک جنبه دیگر است.

در مقابل آنچه که در هند می‌گذرد ما یک تصویر متضاد در ونزوئلا داریم. امپریالیسم ایالات متحده، همراه با نخبگان ونزوئلا، تلاش‌های دیوانه‌واری را برای سرنگون کردن دولت رئیس‌جمهور نیکولاس مادورو، جانشین هوگو چاوز که «انقلاب بولیواری» را در آن کشور رهبری نمود به خرج داده است. ایالات متحده در این تلاش از حمایت همه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، همه روزنامه‌های «لیبرال» جهان سرمایه‌داری، و کل «راست امریکای لاتین»، که از جمله به دلیل «کودتاهای پارلمانی» موفق در برزیل و جاهای دیگر در قاره رشد نموده برخوردار است. امپریالیسم

ایالات متحده همچنین هر سلاح در زرادخانه خود را- از جنگ اقتصادی و خرابکاری در سیستم برق‌رسانی ونزوئلا گرفته، تا حتا یک کودتای واقعی برای به قدرت رساندن خوان گوايدو، رئيس‌جمهور خود-خوانده و مورد حمايت نخبگان کشور- استفاده کرده است و با اين وجود، همه اين تلاش‌ها به طرز رقت‌انگیزی شکست خورده اند.

علیرغم گزارش‌های خبری که در صفحه تلویزیون در سراسر جهان- از جمله در کشور خود ما- درباره مصائب مردم تحت اين دولت نمايش داده می‌شود، نه فقط مردم استوار در پشت دولت مادورو ايستاده اند، بلکه نیروهای مسلح ونزوئلا نیز از دولت مادورو پشتیبانی می‌نمایند. در بسیاری از کشورهای امریکای لاتین، نیروهای مسلح اغلب ماهیتی قسماً متفاوت با چیزی که تئوری مرسوم مارکسیستی به آن‌ها نسبت می‌دهد دارند. آن‌ها که از میان مردم می‌آیند، اغلب، و نه بدون سمپاتی برای رژیم‌های مترقی، سیاسی می‌شوند، گرچه البته خلاف آن نیز صادق است. در واقع، خود چاوز از نیروهای مسلح آمد و در میان آن‌ها از حمايت زیادی برخوردار بود. نیروهای مسلح ونزوئلا رویهم‌رفته به حمايت خود از دولت مادورو ادامه داده اند.

دولت ایالات متحده منتهای سعی خود را کرد تا افسران نیروهای مسلح را برای حمايت از کودتایی که مهندسی کرده بود «بخرد»، اما به طرز رقت‌انگیزی شکست خورد، اين یک نشان روشن از اين فاکت است که سياست در ونزوئلا کالائی نشده است. نتیجتاً، ما یک مقایسه روشن داریم: بين هند که در آن سياست به نحو فزاینده‌ای کالائی می‌شود و ونزوئلا که در آن علیرغم تلاش‌های سختی که امپریالیسم ایالات متحده به خرج داده است، کالائی‌شدن سياست پیشروی چندان نکرده است.

ارتش ونزوئلا یک ارتش سرح انقلابی نیست؛ ونزوئلا یک انقلاب سوسیالیستی، تشکیل دهنده یک حکومت کارگری را نداشته است، ونزوئلا یک روایت کلاسیک از سرنگون کردن نظام کهنه نیست. ونزوئلا در مقایسه با دگرگونی‌های انقلابی کلاسیک از نوعی که جهان را به هیجان آوردند در واقع هنوز یک دگرگونی بسیار خفیف‌تری است. علاوه بر این، حتا در اين دگرگونی خفیف، شخصی که سکان را در دست دارد- نیکولاس مادورو- کاریزمای یک چاوز را ندارد.

با اين وجود، نیروهای مسلح ونزوئلا در کنار دولت مادورو، که با دوری از نولیبرالیسم و در جهت مردم تغییر مهمی در سياست اقتصادی به وجود آورده است، ایستادند. اين فقط ثابت می‌کند همان مردمی که می‌توانند در جهان کالائی‌شدن سياست به «مفعول» صرف مبدل شوند، اگر فرصت فراهم شود، یعنی فاصله گرفتن از نولیبرالیسم وجود داشته باشد، همچنین می‌توانند خود را در یک نقش «فاعل» نشان دهند و زمانی که آن‌ها به اين شیوه سینه سپر می‌کنند، بر دیگر عناصر، مانند نیروهای مسلح نیز فشار وارد می‌نمایند، که اين خود نیز اين عناصر را در برابر نوازش‌ها و چرب زبانی‌های امپریالیسم غیرقابل رسوخ می‌سازد.

مقابله با کالائی‌شدن سياست به تأسیس قضائی یک مجموعه از اصلاحات انتخاباتی از جمله در رأس همه، تأمین هزینه انتخابات به وسیله دولت نیاز دارد. اما اين اصلاحات صورت نخواهند گرفت مگر آن‌که فشار مردمی ایجاد شود و هر گونه بسیج مردم به سياست‌های بدیل نیاز دارد. تغییر نقش مردم از «مفعول» بودن صرف به «فاعل» بودن به پی‌گرفتن سياست‌های بدیلی نیاز دارد که یک برنامه بدیل را در برابر آن‌ها قرار دهد.

دیالکتیک بين گرایش‌های ذاتی سرمایه و مداخله فعال به وسیله طبقه کارگر در «فقر فلسفه» به وسیله مارکس بررسی شد. گرایش ذاتی سرمایه به اتمیزه کردن کارگران است، به استخدام آن‌ها به مثابه فردهائی است که از زمینه‌های مختلف آمده اند و از یک دیگر منفصل می‌باشند؛ اما آن‌ها زیر یک سقف گذاشته می‌شوند، و با تشکیل «ترکیب‌ها» که در آغاز

منفعت شخصی انگیزه آن است دستمزدهای ناچیز خود را افزایش می‌دهند، این نخستین گسست از تأثیر امتیزه شدن به وسیله سرمایه است که سپس به یک «جامعه» نوین فرامی‌رود.

همینطور، اگر زحمتکشان در یک «ترکیب» نو برای یک برنامه نو، متفاوت با چیزی که نولیبرالیسم به آن‌ها ارائه می‌دهد، گردآورده شوند کالائی شدن سیاست که یک گرایش ذاتی سرمایه در دوران معاصر است می‌تواند شکسته شود. گرچه آن‌ها در ابتداء ممکن است برای منفعت شخصی جلب چنین برنامه ای بشوند، خود این فاکت که آن‌ها گردهم آمده اند گرایشی را که خلاف کالائی شدن سیاست است جاری خواهد ساخت. تنها یک برنامه بدیل، که زحمتکشان بتوانند بر محور آن گرد آیند، یک سیاست بدیل را که بتواند گرایش به سوی کالائی شدن سیاست را بشکند موجب خواهد شد.

<https://www.newsclick.in/Politics-India-Venezuela-Big-Money-Karnataka>

https://www.peoplesdemocracy.in/2019/0804_pd/striking-contrast

منبع: دموکراسی مردم، نشریه حزب کمونیست هند (مارکسیست)

تارنگاشت عدالت